

سنجش اهمیت و عملکرد شاخص‌های مدیریت یکپارچه گردشگری در ساحل شهر سرخورد

صدرالدین متولی^{*۱}، مهدی رازجویان^۲، غلامرضا جانباز قبادی^۳

۱. دانشیار گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، ایران
۲. دانشجوی دکترای جغرافیا و برنامه ریزی شهری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، ایران
۳. استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نور، ایران

چکیده

افزایش کارایی افراد پس از فعالیت‌های تفریح و سرگرمی اثر اقتصادی غیرمستقیمی است که در هزاره جدید به واسطه گردشگری و طبیعت‌گردی شکل می‌گیرد. از طرفی، سواحل نیز به منزله یکی از منابع غنی طبیعی، از گذشته در سراسر جهان مورد توجه فعالان اقتصادی اعم از فعالان بخش گردشگری بوده است. هدف پژوهش حاضر نیز بررسی و ارزیابی اهمیت و عملکرد شاخص‌های مدیریت یکپارچه گردشگری در ساحل شهر سرخورد می‌باشد. سرخورد به عنوان پایلوت بلندمرتبه‌سازی دارای ظرفیت و پتانسیل‌های بالقوه‌ای است که با همکاری و همیاری شهروندان و سرمایه‌گذاران، بیش از پیش به بالفعل تبدیل خواهد شد و البته معرفی سرخورد با این عنوان موجب کنترل و تعیین تکلیف ساخت‌وسازها در شهر خواهد شد. همچنین، لازم است در پی ورود سرمایه‌گذاران به حوزه گردشگری از جمله احداث هتل، مجموعه‌های ورزشی و تفریحی و پذیرایی مدیریت شهری در شهر به صورت یکپارچه عمل کند و شهرداری نیز در آینده بسته‌های حمایتی ویژه‌ای با تعامل سازنده اعضای شورای اسلامی شهر را فراهم آورد تا بتوان در این راستا به مدیریت یکپارچه در گردشگری اراضی ساحلی سرخورد دست یافت. لذا، پژوهش حاضر از نوع کاربردی و به لحاظ روش، توصیفی-تحلیلی بوده و روش گردآوری داده‌ها تحقیق در رابطه با مبانی نظری پژوهش، شناخت و تحلیل داده‌ها اسنادی و کتابخانه‌ای و در رابطه با بررسی نمونه مورد مطالعه، مطالعات میدانی می‌باشد. جهت جمع‌آوری اطلاعات میدانی از ابزار پرسشنامه استفاده شده است که میان نمونه تصادفی از جامعه آماری به تعداد ۳۶۴ نفر بر اساس فرمول مورگان توزیع گردیده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف (برای سنجش نرمال بودن توزیع داده‌ها)، آزمون رگرسیون خطی چند متغیره (برای رتبه‌بندی شاخص‌های پژوهش از نظر چهار گروه ذی‌نفع) و آزمون تی با دو نمونه جفتی (استخراج آماره تی ولیو) استفاده شده است. نتایج توزیع و تکمیل پرسشنامه در میان گروه‌های ذینفع و انجام روش تجزیه و تحلیل اهمیت - عملکرد شاخص‌های پژوهش نشان داد که مقدار میانگین‌های اهمیت و عملکرد همه شاخص‌های مدیریت یکپارچه گردشگری، مقادیری منفی است؛ به این معنا که عملکرد حال حاضر این شاخص‌ها در ارتباط با گردشگری ساحلی شهر سرخورد، مطلوب نیست و با مقدار اهمیت آنها شکاف چشم‌گیری دارند. در نتیجه، ضروری است که ابعاد و شاخص‌های مدیریت یکپارچه گردشگری در ساحل سرخورد از طریق الزاماتی مانند هماهنگی بین مدیران دیگر مؤسسات مرتبط با گردشگری، مانند هماهنگی میان عوامل مدیریتی و اجرایی سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و هتل‌داری و سازمان‌های مدیریت شهری مرتبط با گردشگری بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۲/۱۷

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۱۹

کلید واژه‌ها:

مدیریت گردشگری،
رویکرد مدیریت یکپارچه،
گردشگری ساحلی،
سرخورد

مقدمه

در سال ۲۰۱۶ میلادی ۵۴/۵ درصد جمعیت جهان در شهرها سکونت داشته و پیش‌بینی می‌شود تا سال ۲۰۳۰ جمعیت شهرنشین دنیا به ۵/۰۵۵ میلیارد نفر (۶۰ درصد جمعیت کره زمین) برسد (United Nations, 2016: ii). این افزایش جهانی ضریب شهرنشینی، توجه به توسعه پایدار شهری را به یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های مدیران و مسئولان شهری تبدیل نموده است؛ آن‌چنانکه امروزه در اکثر جوامع شهری توجه به توسعه پایدار مورد تأکید هست و دیدگاه‌ها و روش‌های مختلفی برای آن ارائه شده است که برحسب شرایط هر جامعه، می‌توان از آن استفاده نمود (نصر، ۱۳۹۵: ۱۹۸). لازمه دسترسی به توسعه پایدار شهری، تدوین راهبردها، سیاست‌ها و برنامه‌های اجرایی با در نظر گرفتن و استفاده از معیارها و شاخص‌های کلیدی توسعه پایدار شهری است (آدرگون و دیگران، ۱۳۹۷: ۲۶۶). به‌عبارتی دیگر، دستیابی به یک نظام توسعه پایدار شهری، پیش از هر چیز نیازمند شناسایی عوامل مؤثر در توسعه پایدار شهری با توجه به ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و نیازهای خاص هر شهر است (فیروزپور و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۰۲). توسعه پایدار خود به معنای تلفیق اهداف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی برای حداکثرسازی رفاه انسان فعلی بدون آسیب به توانایی نسل‌های آتی برای برآوردن نیازهایشان می‌باشد و در پی این تعریف می‌توان گفت که توسعه پایدار توسعه‌ای است که نیازهای زمان حال را بدون آنکه از توانایی نسل‌های آینده برای ارضای نیازهایشان بکاهد، برطرف سازد (Siwar et al, 2009: 310). رشد اقتصادی، بهبود شرایط اجتماعی، حفاظت از ارزش‌های طبیعی از ویژگی‌های مهم توسعه پایدار است و تحول به‌سوی یک سطح پایدار از توسعه غالباً برآمده از روابط دینامیکی پیچیده بین موضوعات محیط، اجتماعی و اقتصادی هست (Cirella & Tao, 2010: 279). با عنایت به مطالب فوق می‌توان چنین عنوان کرد که پایداری شهری فرآیندی است که از طریق آن بهبودهای قابل‌اندازه‌گیری در بلندمدت برای رفاه انسانی روی می‌دهد که می‌توان آن‌ها را از طریق ابعاد زیست‌محیطی (مصرف منابع با تأثیرات زیست‌محیطی)، اقتصادی (استفاده بهینه از منابع و بازگشت اقتصادی) و اجتماعی (سلامت و رفاه اجتماعی) موردسنجش قرارداد (صیادبیدندی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۵۱). یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر توسعه پایدار شهری، گردشگری شهری است. امروزه گردشگری به‌عنوان یک صنعت، به‌مثابه پدیده پویای جهانی و اجتماعی است. گردشگری در قرن حاضر در زمینه رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی دارای اهمیت فزاینده‌ای است و آثار اقتصادی آن در اکثر کشورهای دنیا به‌وضوح قابل‌مشاهده است و محققان در مطالعات متعددی از آن به‌عنوان عامل رشد اقتصادی در بسیاری از کشورها یاد می‌کنند (Silva et al, 2018: 101). در میان انواع مختلف گردشگری، مفهوم گردشگری شهری به‌عنوان دستور کار مطالعاتی در دهه ۱۹۸۰ مطرح شد. در این دهه، اهمیت گردشگری شهری با تبدیل شدن شهرها به‌عنوان مقاصد مهم گردشگری آشکار شد (حاجی‌نژاد و دیگران، ۱۳۹۵: ۹۴). در یک تعریف ساده می‌توان چنین عنوان کرد که گردشگری شهری نتیجه یک فرایند پیچیده بین گردشگران، میزبانان و سکونتگاه‌های میزبانان است (Kandel & Brown, 2006: 278؛ Yoon, 2002: 14). بنابراین، می‌توان چنین عنوان کرد که اساس و بنیان گردشگری، روابط متقابل میان مهمانان و میزبانان است که می‌توان این روابط متقابل را در اثرات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و زیست‌محیطی خلاصه نمود (ادبی ممقانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۷).

کشور ایران جزو ۱۰ کشور اول جهان از لحاظ جاذبه‌های (فرهنگی و تمدنی) گردشگری و جزو سه کشور اول جهان از نظر تنوع صنایع دستی است (زنگی‌آبادی و دیگران، ۱۳۸۵: ۱). کشور ایران با حدود ۱۴۰۰ کیلومتر ساحل در جنوب و حدود ۲۶۰ کیلومتر ساحل در شمال، شرایط مناسبی برای رونق گردشگری ساحلی در جنوب و شمال کشور دارد. ولی به دلایلی چند و به خصوص شرایط اقلیمی مناسب در فصل گردشگری ایران یعنی تابستان، وجود برخی جاذبه‌های طبیعی و انسانی دیگر و

همچنین فاصله نسبی کمتر به مراکز جمعیتی بزرگ و به خصوص استان تهران و تراکم بالای جمعیت در جلگه شمالی کشور، توجه گردشگران به سواحل شمالی بیشتر از سواحل جنوبی است (رضایی و رحمانی، ۱۳۸۶: ۴۵).

یکی از جاذبه‌های اکوتوریستی در جهان و ایران ساحل دریا می‌باشند. امروزه بسیاری از برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران توسعه گردشگری را به‌عنوان رکن اصلی توسعه پایدار یاد می‌کنند و در تلاش هستند با شناسایی قابلیت‌های توسعه گردشگری مناطق و رفع موانع آن سهم بیشتری از عایدات این بخش را نصیب خود سازند. گردشگری ساحلی از قدیمی‌ترین انواع گردشگری است به طوری که سابقه برخی از تفرجگاه‌های ساحلی به قرن ۱۹ بازمی‌گردد؛ مناطق ساحلی با تلفیقی زیبا از دریا و ساحل، محیطی آرام‌بخش به وجود آورده‌اند که توانایی جذب گردشگران را از نقاط دور و نزدیک دارند، در این راستا شهرهای ساحلی شمال کشور با دارا بودن ویژگی‌های طبیعی و انسانی مانند سواحل زیبا، آب و هوای به نسبت مطلوب، صنایع دستی و تنوع غذایی می‌توانند از مقاصد مهم گردشگری کشور باشند و با برنامه‌ریزی اصولی و مناسب و شناسایی توان‌ها و قابلیت‌ها در گردشگری ساحلی، نقش مؤثری در توسعه این مناطق و در نتیجه توسعه ملی و رشد اقتصادی ملی داشته باشد (برقی و دیگران، ۱۳۹۱). سواحل، به منزله یکی از منابع غنی طبیعی، از دیرباز در سراسر جهان مورد توجه فعالان اقتصادی اعم از فعالان بخش گردشگری بوده است. در میان انواع بهره‌برداری‌ها از سواحل، گردشگری ساحلی یکی از قدیمی‌ترین شکل‌های گذران اوقات فراغت مردم به شمار می‌رود و سالانه، با توسعه امکانات و خدمات، به تعداد گردشگران ساحلی افزوده می‌شود. رشد چشمگیر گردشگری ساحلی از یک سو و وجود دیگر فعالیت‌های اقتصادی بهره‌مند از اراضی و منابع ساحلی از سوی دیگر، به‌کارگیری رویکردی همه‌جانبه را در مدیریت گردشگری ساحلی ضروری می‌نماید (قادری و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۷۶).

اراضی ساحلی سرخورد، در شمال شهر سرخ رود و در موقعیت جغرافیایی $27^{\circ} 52'$ تا $28^{\circ} 52'$ از خط استوا و طول شرقی $39^{\circ} 36'$ تا $40^{\circ} 36'$ از نصف‌النهار گرینویچ واقع شده است. منطقه مذکور به دلیل استقرار در بخش ساحلی، عوارض چشمگیر توپوگرافیک نداشته و سیمای ناهمواری‌های آن مربوط به پیشروی و پسروی آب دریا و همچنین رسوب‌گذاری رودخانه‌های موجود در منطقه است. استقرار در مسیر شاهراه ارتباطی شرق به غرب استان مازندران، برخورداری از فاصله مناسب با سایر شهرهای استان نظیر: ساری، بابل، بابلسر و دیگر شهرها از مهم‌ترین ویژگی‌های منطقه مذکور بوده و از نظر توسعه گردشگری موقعیت مناسبی را برای آن فراهم نموده است. شهر سرخورد با 5310058 مترمربع مساحت به عنوان محدوده فراگیر اراضی ساحلی تعیین شده است. در تعیین محدوده بلافاصل معیارهایی مانند ساختار شبکه معابر مؤثر بر سایت و کاربری‌های عمده مؤثر بر آن و نیز همجواری فضایی تأثیرگذار بوده‌اند. سطح حوزه بلافاصل برابر با 763629 مترمربع است. در بررسی وضعیت مالکیت اراضی ساحل سرخورد، هیچ‌گونه مالکیتی که منطقه در محدوده قانونی شهر سرخورد از جمله خصوصی، دولتی، تعاونی و ... استقرار یافته رؤیت نگردیده است؛ جز اراضی ساحلی سرخورد که جزو انفال عمومی آن به حساب می‌آید و مساحتی بالغ بر 189532 مترمربع از شهر را شامل می‌شود (مهندسين مشاور طرح محیط پایدار، ۱۳۹۴). ویلاسازی در این مناطق به قدری وسعت گرفته که سال به سال چهره سبز به واسطه ساخت انبوه ویلاهای جدید، تغییرات اساسی پیدا می‌کند. پژوهش حاضر به دنبال بررسی و سنجش متغیرهای ضروری عملکرد مدیریت شهری در رابطه با توسعه گردشگری ساحلی است تا با ارزیابی این متغیرها، عملکرد مدیریت شهر سرخورد، در رابطه با توسعه گردشگری ساحلی بررسی گردد و عملکرد شاخص‌های مدیریت یکپارچه گردشگری در ساحل شهر سرخورد مورد بررسی و سنجش قرار گیرد. یافته‌های پژوهش حاضر می‌تواند مدیران شهری را در بالا بردن سطح توسعه راهبردهای گردشگری ساحلی و افزایش رضایت محلی و هم‌چنین رضایت گردشگران با کم‌ترین آسیب محیطی، یاری رساند.

پیشینه تحقیق

صابری و دیگران (۱۳۹۸) در پژوهش خود با عنوان "ارزیابی ظرفیت مدیریت یکپارچه توسعه گردشگری شهرستان کاشان" با استفاده از روش‌های توصیفی تحلیلی و بهره‌گیری از پرسشنامه و تحلیل‌های آماری شامل تحلیل رگرسیون و آزمون T به ارزیابی ظرفیت مدیریت یکپارچه برای توسعه گردشگری شهرستان کاشان پرداختند. نتایج حاصل از آمار استنباطی انجام شده، میزان معنادار در آزمون T، ۰/۱۰ نشان‌دهنده معنادار بودن آزمون است؛ در نتیجه، فرضیه‌های تحقیق «۱» نبود تعامل و هماهنگی بین عناصر و بخش‌های مدیریتی گردشگری منجر به عدم مدیریت یکپارچه شهرستان کاشان شده است. «۲» نبود تعامل و هماهنگی بین عناصر و بخش‌های مدیریتی گردشگری منجر به عدم توسعه متوازن سیستم گردشگری شهرستان کاشان شده است. «تعامل و هماهنگی در بخش‌های مدیریتی گردشگری سبب توازن خواهد شد. عزیزپور و فتحی‌زاده (۱۳۹۵)، در پژوهشی با عنوان "موانع و چالش‌های تحقق مدیریت یکپارچه گردشگری در کلان‌شهر مشهد" دریافته‌اند که اصلی‌ترین عوامل تأثیرگذار بر عدم همکاری بین سازمان‌های متولی گردشگری در مشهد، عدم مدیریت یکپارچه در گردشگری، ضعف نگرش سیستمی، ضعف ساختار حقوقی، ضعف نظام برنامه‌ریزی و ضعف نظام سیاست‌گذاری است که چالش‌هایی از جمله عدم شفافیت در وظایف قانونی دستگاهی، برخورد سلیقه‌ای، کمبود منابع، نبود نیروی انسانی متخصص، همکاری غیررسمی و مقطعی، ضعف تقسیم کار، ضعف در توزیع و تخصیص بهینه منابع و عدم توانمندی مدیران را به دنبال داشته است.

لیتوین و دیگران^۱ (۲۰۱۸)، مقاله خود با عنوان "نمای گذشته‌نگر از واژه‌های الکترونیکی مدیریت گردشگری" را منتشر کرده‌اند. نتایج این تحقیق حاکی از آن است که eWOM وعده خود را برای تبدیل شدن به تأثیر عمده‌ای در صنعت میهمان‌نوازی و گردشگری بر عهده گرفته است و همچنان در آینده بازبینی نقش اساسی در بازاریابی گردشگری خواهد داشت. لنگ و دادز^۲ (۲۰۱۷)، مقاله‌ای با عنوان "افزایش گردشگری پایدار از طریق کارآفرینی اجتماعی" را به چاپ رسانده‌اند. یافته‌ها نشان می‌دهد که پروژه‌های گردشگری و کارآفرینی اجتماعی گردشگری در کانادا محدود است. دو فرض اصلی مربوط به زمینه کانادا را می‌توان از این جستجوی زیر برداشت: (۱) کمبود خدمات پذیرایی و پروژه‌های کارآفرینی اجتماعی گردشگری و / یا، (۲) پروژه‌های کارآفرینی اجتماعی پذیرایی و گردشگری و یا مشاغل به رسمیت شناخته نمی‌شوند و / یا عدم آگاهی از آنها وجود دارد. کارلیسل و دیگران^۳ (۲۰۱۶)، در مقاله‌ای با عنوان "پیش‌بینی استراتژیک برای پیچیدگی بازار گردشگری شهری (ساحلی) شهری: مورد بورنموث" رویکردی برای ارزیابی و تحلیل برنامه‌ریزی استراتژیک در پیچیدگی‌های چندمنظوره مناطق شهری ساحلی با درگیری‌هایی در مورد فضای تفریحی مورد بحث قرار داده‌اند. رویکرد سیستم‌ها از ادغام و اتحاد در مشوق‌های سرمایه‌گذاری برای کمک به شناسایی استراتژی‌های جایگزین استفاده شهری در زمینه‌های گردشگری و اوقات فراغت حمایت می‌کند که امکان بازاریابی مجدد یک منطقه شهری را در حالی که محصول را ارائه می‌دهد، فراهم می‌کند.

مبانی نظری**گردشگری ساحلی**

گردشگران با اهداف و انگیزه‌های متفاوتی سفر می‌کنند: بازدید از دوستان و اقوام، دیدن آثار فاخر و میراث تاریخی، شرکت در نشست‌ها و کنفرانس‌های تجاری، شرکت در جشنواره‌های فرهنگی و هنری، پیشگیری از بیماری یا بهبود آن، دیدن جلوه‌های

¹ Litvin et al² Lang & Dodds³ Carlisle et al

گوناگون طبیعت و لذت بردن از آن، و خرید زمانی که مقصد گردشگران داخلی یا بین‌المللی مناطق (شهری یا روستایی) ساحلی باشد، نوع گردشگری آنها ساحلی محسوب می‌شود. در حقیقت، یکی از کاربری‌های بسیار مهم و قدیمی سواحل در جهان گذران اوقات فراغت افراد در سواحل و به عبارتی گردشگری ساحلی است. ریشه گردشگری در مناطق ساحلی را باید در دوران روم باستان، هنگامی که اولین خانه‌های رومی در پنسیلوانیا ساخته شد، جست‌وجو کرد (UNEP, 2009: 10). اما به سیاق امروزی، گردشگری ساحلی از اواخر قرن ۱۹ میلادی مورد توجه قرار گرفت و از آن زمان همواره بر تعداد گردشگران ساحلی افزوده شد (Davenport and Davenport, 2006: 280)، به طوری که پس از جنگ جهانی دوم شمار استراحتگاه‌های ساحلی به طور چشمگیری افزایش یافت (Jennings, 2004: 900). اکنون آمار و ارقام سازمان جهانی گردشگری بیشترین مسافران جهان را مربوط به بخش گردشگری ساحلی می‌داند (Noronha, 2002: 42). کمیته برنامه‌ریزی محیط زیست سازمان ملل متحد نیز در پژوهشی نشان داد که گردشگری ساحلی محبوب‌ترین نوع گردشگری در میان اروپاییان است (UNEP, 2009). در سال ۲۰۰۵، سهم بازار گردشگری دریایی و ساحلی در مخارج کل گردشگران بین‌المللی جهان بیش از ۱۰ درصد تخمین زده شد (Diakomihalis, 2007؛ و نقل قول در Papageorgiou, 2016). رشد سریع گردشگری ساحلی در ۱۴۰ سال اخیر از علل اصلی توسعه زیرساخت‌های شهرهای ساحلی و همچنین، ایجاد مسائل و مشکلات زیست محیطی ساحلی بوده است (Hall, 2001).

در بسیاری از مقالات و کتاب‌های مربوط به این حوزه، دو اصطلاح «گردشگری ساحلی» و «گردشگری دریایی» همواره با یکدیگر و گاهی به جای یکدیگر استفاده می‌شوند. هال (۲۰۰۱) گردشگری ساحلی را در ارتباطی نزدیک با گردشگری دریایی می‌داند. از نظر وی، گردشگری دریایی شامل فعالیت‌هایی است که در آب‌های ساحلی انجام می‌شوند؛ به عبارتی دیگر، گردشگری دریایی گردشگری ساحل‌محور است و فعالیت‌های تفریحی مانند شنا، حمام آفتاب و پیاده‌روی کنار ساحل را نیز در بر می‌گیرد (Diakomihalis, 2007؛ European Commission, 2014). بنابراین می‌توان گفت گردشگری ساحلی زیرمجموعه گردشگری دریایی است. کاریک (۲۰۱۰)، با توجه به این که محل فعالیت‌های گردشگری در آب یا خشکی است، گردشگری ساحلی را متفاوت از گردشگری دریایی می‌داند و معتقد است که گردشگری ساحلی فعالیت‌هایی مانند شنا، موج-سواری، حمام آفتاب و سایر فعالیت‌های تفریحی ساحلی را شامل می‌شود که در بخش خشکی و نزدیک دریا انجام می‌شوند و گردشگران از سایر خدمات مربوط به آن نیز استفاده می‌کنند. از طرفی گردشگری دریایی شامل فعالیت‌هایی مانند قایق‌سواری، کشتی‌سواری تفریحی و ورزش‌هایی می‌شود که در آب انجام می‌شوند و زیرساخت‌ها و خدمات مربوط به آنها در بخش خشکی وجود دارد. بنابراین گردشگری ساحلی و دریایی مقوله‌هایی بسیار نزدیک و وابسته به یکدیگرند. البته باید توجه داشت که برخی نویسندگان نیز گردشگری ساحلی را بخشی از گردشگری طبیعت محور قلمداد می‌کنند که در آن از موهبت خدادادی دریا و ساحل به عنوان جاذبه اصلی استفاده می‌شود. با همه این تفاسیر، منبع فعالیت‌های گردشگری ساحلی را می‌توان به دو گروه اصلی تفکیک کرد (قریشی میناآباد و دیگران، ۱۳۹۰: ۳۱). فعالیت‌های متکی بر منابع طبیعی اعم از ماهیگیری، شنا، حمام آفتاب، غواصی، قایق‌رانی و اسکی روی آب و فعالیت‌های متکی بر تسهیلات انسان‌ساخت مانند تفریح، خرید، استفاده از رستوران‌های ساحلی، پارک‌های ساحلی، پلاژها و هتل‌های ساحلی، سینماهای روباز و ... طبق نتایج مطالعات و پژوهش‌هایی که در حوزه عوامل انگیزاننده گردشگران برای بازدید و استفاده از امکانات و تسهیلات سواحل انجام شده، عواملی چون پاکیزگی ساحل، انواع امکانات ساحلی، مناظر و محیط طبیعی، آشنایی با محل، راحتی سفر و دسترسی، کیفیت گردشگاه‌های مشرف به دریا، هزینه سفر و مناسب بودن دریا برای شنا و قایق‌سواری از جمله عوامل کششی و انگیزاننده برای جذب گردشگران به سواحل به شمار می‌روند (موسوی و دیگران، ۱۳۹۴: ۱۷۷). در کنار توجه به عوامل مشوق گردشگران در انتخاب

سواحل به عنوان مقصد سفر، بسیار ضروری است که به «تأثیرات توسعه گردشگری ساحلی» نیز توجه شود؛ چراکه یکی از توجیحات نیاز به مدیریت و یکپارچگی آن در بحث گردشگری ساحلی (مانند سایر شکل‌های توسعه گردشگری)، مدیریت تأثیرات مختلف ناشی از آن است. علاوه بر آثار مثبت و منفی زیست محیطی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی که در سایر شکل‌های توسعه گردشگری دیده می‌شود. با توجه به حجم وسیع گردشگران ساحلی، اهمیت گردشگری ساحلی و آثار مثبت و منفی اقتصادی، اجتماعی - فرهنگی و زیست محیطی آن، تنوع فعالیت‌ها و مشارکت‌کنندگان صنعت گردشگری و از همه مهم‌تر ارتباطی که میان توسعه و مدیریت گردشگری ساحلی و سایر کاربری‌های سواحل وجود دارد، اتخاذ رویکردی به روز، جامع، آینده‌نگر و راهبردی برای مدیریت پدیده گردشگری ساحلی بسیار مهم و ضروری است؛ رویکردی که مدیریت گردشگری ساحلی از طریق آن، در کنار توجه به موضوعات مطرح در بخش گردشگری و در راستای نیل به توسعه پایدار منطقه ساحلی، با سایر بخش‌های ذی‌نفع از سواحل نیز تعاملی مثبت و مشارکتی هم‌افزا داشته باشد.

مدیریت یکپارچه مناطق ساحلی

یکپارچه‌سازی «هر چیزی» در سیاست‌گذاری همیشه دغدغه اصلی و رؤیای تمام برنامه‌ریزان بوده است (Farinos & Hamm, 2011). رشته‌ها و حوزه‌های علمی گوناگون، برای غلبه بر چندپارگی و تفرق‌های متعدد در نظام‌های برنامه‌ریزی و مدیریت، بسیار کوشیده‌اند. از حوزه‌های علمی مهمی که در زمینه بین‌سازمانی و ایجاد یک‌پارچگی تلاش کرده‌اند، می‌توان به برنامه‌ریزی راهبردی، برنامه‌ریزی فضایی راهبردی، مدیریت شهری و مدیریت زیست محیطی اشاره کرد که هر یک، از طریق فراهم آوردن شرایطی خاص و با هدف بهبود کارایی و اثربخشی عملکرد نظام، به نوعی در پی ایجاد هماهنگی، همکاری و یکپارچگی میان اجزا و عناصر چندپاره نظام برنامه‌ریزی و مدیریت حوزه خود بوده‌اند. پیرو این تلاش‌ها، مفاهیم مختلفی برای ترسیم سازوکارها و ترتیبات اداری و سازمانی و مدیریتی مرتبط برای چیره شدن بر تفرق و چندپارگی نظام برنامه‌ریزی و مدیریت خلق است. بخش عمده این مفاهیم نشان‌دهنده شکل و شدت خاصی از روابط بین‌سازمانی، بین بخشی و بین قلمروی است و هدف از به کارگیری و استقرار آنها ایجاد نوعی یکپارچگی و انسجام در سیاست‌گذاری‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات و کاستن از سوء کارکردهای ناشی از تفرق در نظام برنامه‌ریزی و مدیریت است (مسلمی، ۱۳۹۴). از آنجا که گردشگری نیز ممکن است به صورت سیستمی پویا در هر جامعه شکل گیرد و رونق یابد، وجود هماهنگی بین اجزای این سیستم بسیار حیاتی است. به منظور تحقق همکاری و هماهنگی میان بخش‌های مختلف صنعت گردشگری و همچنین تعامل آن با سایر بخش‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه، «مدیریت گردشگری» امری بسیار مهم و اجتناب‌ناپذیر است. در حقیقت توسعه گردشگری به عواملی مانند ساختار مناسب سازمانی، برنامه‌ریزی و آموزش نیروی انسانی، قوانین و مقررات به روز، جذب سرمایه‌گذاران وابسته و مهم‌تر از همه نیازمند مدیریت کارا و اثربخش است تا تمامی ابعاد و جوانب گردشگری را مورد توجه قرار دهد و برای حفاظت از محیط زیست و توسعه گردشگری به طور هماهنگ برنامه‌ریزی کند. مدیریت مقصد گردشگری مدیریت هماهنگ تمام اجزایی است که مقصد گردشگری را به وجود می‌آورند. مدیریت مقصد رویکردی راهبردی را برای پیوند دادن این بخش‌ها اتخاذ می‌کند که برخی اوقات از یکدیگر کاملاً مجزا هستند. مدیریت هماهنگ می‌تواند مانع تکرار فعالیت‌ها در زمینه ترفیع، ارائه خدمات به دیدارکنندگان، آموزش و حمایت از کسب و کار شود و هر گونه شکاف مدیریتی را که مورد توجه قرار نگرفته مشخص کند. بنابراین، مدیریت مقصد در پی ائتلاف تعداد زیادی از سازمان‌ها و گروه‌های ذی‌نفع است که در جهت رسیدن به یک هدف مشترک با هم همکاری می‌کنند (سازمان جهانی گردشگری، ۱۳۹۰: ۲۰).

روش‌شناسی تحقیق

بعد از شناخت شاخص‌های مدیریت یکپارچه گردشگری ساحلی، تعیین عملکرد فعلی هر یک از این شاخص‌ها از دیدگاه چهار گروه ذی‌نفع درگیر در این فرایند، هدف این تحقیق می‌باشد. به همین جهت برای استخراج این شاخص‌ها از منابع و اسناد کتابخانه‌ای استفاده شده است. پس از آن عملکرد شاخص‌های مدیریت یکپارچه گردشگری ساحل سرخورد از نظر چهار گروه ذی‌نفع دولتی، خصوصی، عمومی و شهروندان مشخص می‌گردد.

جامعه آماری تحقیق حاضر که در برگیرنده ۴ گروه ذی‌نفع می‌باشد، علاوه بر شهروندان، سازمان‌های مرتبط با گردشگری به عنوان ذی‌نفعان دولتی، کسب‌وکارهای مرتبط با گردشگری به عنوان ذی‌نفعان خصوصی و شهرداری شهر سرخورد به عنوان ذی‌نفع عمومی در نظر گرفته شده است. حجم نمونه برای این تحقیق ۳۶۴ نفر بر اساس جدول کرجسی و مورگان محاسبه شده است. در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف (برای سنجش نرمال بودن توزیع داده‌ها)، آزمون رگرسیون خطی چند متغیره (برای رتبه‌بندی شاخص‌های پژوهش از نظر چهار گروه ذی‌نفع) و آزمون تی با دو نمونه جفتی (استخراج آماره تی ولیو) استفاده می‌شود. در پی این آزمون، فاصله یا گپ میان مقادیر عملکرد هر یک از شاخص‌های تحقیق مشخص می‌شود. برای سنجش تأثیر متغیرهای جمعیت‌شناختی پرسش‌شوندگان بر پاسخ‌ها نیز از آزمون خی‌دو استقلال پیرسون استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل

ابتدا نحوه توزیع داده‌های گردآوری شده مشخص می‌شود. بر اساس نتایج آزمون نرمال بودن، تمامی داده‌ها از توزیع نرمال برخوردار بوده‌اند. لذا، شاخص‌ها، توزیع نرمال داشته و می‌توان در پی آن از آزمون‌های پارامتریک استفاده نمود.

تأثیر معیارهای مدیریت یکپارچه شهری بر توسعه گردشگری ساحلی

میزان هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم‌گیرنده بر توسعه گردشگری ساحلی

میزان هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم‌گیرنده یکی از مؤلفه‌های مهم در بخش مدیریت شهری برای توسعه گردشگری می‌باشد. بر اساس یافته‌های پژوهش، مشاهده می‌شود این هماهنگی متوسط رو به بالا است که این خود می‌تواند زمینه توسعه گردشگری را فراهم آورد ۱۷/۶ درصد افراد بیان داشته‌اند که این هماهنگی خیلی کم است. بنابراین، برای دستیابی به هماهنگی‌های بیشتر و سازنده‌تر لازم است در این خصوص تصمیمات مدیریتی خاص اتخاذ گردد؛ از جمله: استفاده از مدیران کارآموده و متخصص در زمینه‌های مختلف و اطلاع‌رسانی راجع به مزایا و منافع هماهنگی مدیریت و اجرا و کاهش هزینه‌ها و ...

تأثیر میزان هماهنگی بین عوامل اجرایی بر توسعه گردشگری ساحلی

میزان هماهنگی بین عوامل اجرایی در بخش مدیریت و گردشگری می‌تواند زمینه توسعه گردشگری را فراهم آورد. هرچه این هماهنگی بیشتر باشد به تبع توسعه گردشگری نیز بهتر خواهد بود. متأسفانه آنچه که داده‌های حاصل از پرسشنامه نشان می‌دهد میزان هماهنگی متوسط رو به کم عوامل اجرایی می‌باشد. لازم به ذکر است که چنانچه تصمیم‌گیری‌ها در سطوح مختلف

از هماهنگی مناسب برخوردار باشد، هماهنگی در بین عوامل اجرایی نیز از سمت و سوی راضی کننده تر برخوردار خواهد شد و از چند باره کاری ها که منجر به اتلاف وقت، هزینه و آشفته‌گی اوضاع شود، جلوگیری به عمل خواهد آمد.

تأثیر میزان تلاش مدیریت یکپارچه جهت توسعه گردشگری ساحلی

تلاش مدیریت یکپارچه شهری در دستیابی به توسعه پایدار گردشگری مؤلفه دیگری است که مورد پرسش قرار گرفت. آنچه که از یافته‌ها حاصل شده این است که تلاش مدیریت در دستیابی به توسعه پایدار گردشگری در حد کم و متوسط است که این خود باعث ضعف گردشگری در منطقه شده است. بنابراین، مشخص - می‌شود که با برنامه‌ریزی و مدیریت صحیح منابع، استعدادها و توان‌های منطقه‌ای، همسو کردن تصمیم‌گیری‌های مرتبط با امور مختلف از جمله گردشگری شهری و مشارکت مردم در امور مختلف - از جمله گردشگری - می‌تواند در دستیابی به توسعه پایدار شهری و همچنین توسعه پایدار گردشگری بسیار تأثیرگذار باشد؛ چرا که شهر و مناسبات در ارتباط با آن، یک سیستم پویا و زنده است که برای هدایت صحیح و پایدار آن، نیازمند به مدیریت یکپارچه و هماهنگ است و این امر، توسعه پایدار گردشگری در ساحل شهر سرخورد را نیز به دنبال خواهد داشت.

تأثیر میزان تخصیص اعتبار به مناطق گردشگری جهت توسعه گردشگری ساحلی

تخصیص اعتبار به مناطق گردشگری از جمله عواملی است که می‌تواند زمینه را برای گردشگری فراهم - آورد. هرچقدر که مدیریت شهری بتواند اعتبار بیشتری را برای مناطق گردشگری کسب کند و به آنها اختصاص دهد زمینه توسعه گردشگری نیز فراهم می‌گردد.

تأثیر میزان ایجاد فرصت‌های شغلی جدید بر توسعه گردشگری ساحلی

با مدیریت درست و کارآمد در بخش گردشگری می‌توان فرصت‌های شغلی جدیدی در شهر مورد مطالعه به وجود آورد. اما، متأسفانه مدیریت شهری در بخش اشتغال نتوانسته است موفقیت لازم را به دست آورد. در منطقه ساحلی سرخورد مشخص است میزان اشتغال‌زایی و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید کم و خیلی کم با مجموع ۸۰ درصد نشان از عدم موفقیت در این بخش دارد.

تأثیر میزان دخالت مردم محلی در تصمیم‌گیری‌ها بر توسعه گردشگری ساحلی

علاوه بر نظارت بر تصمیم‌گیری‌ها دخالت و مشارکت نیز مقوله‌ای دیگر است که در بخش توسعه مورد توجه قرار می‌گیرد اما، متأسفانه در شهر سرخورد میزان دخالت و مشارکت مردم و نظرخواهی از آنها کم و خیلی کم با ۳۰/۷ درصد و ۲۹/۹ درصد می‌باشد. چنانچه شفاف‌سازی در تصمیم‌گیری‌ها سرلوحه مدیران شهری و تصمیم‌گیران امور مختلف شهر باشد؛ این امر میزان دخالت مردم محلی در تصمیم‌گیری‌ها و نظارت بر امور شهر را بالا خواهد برد و باعث ایجاد زمینه‌های مشارکت بیشتر مردم در امور مختلف از جمله امور عمرانی و توسعه‌های شهر خواهد شد.

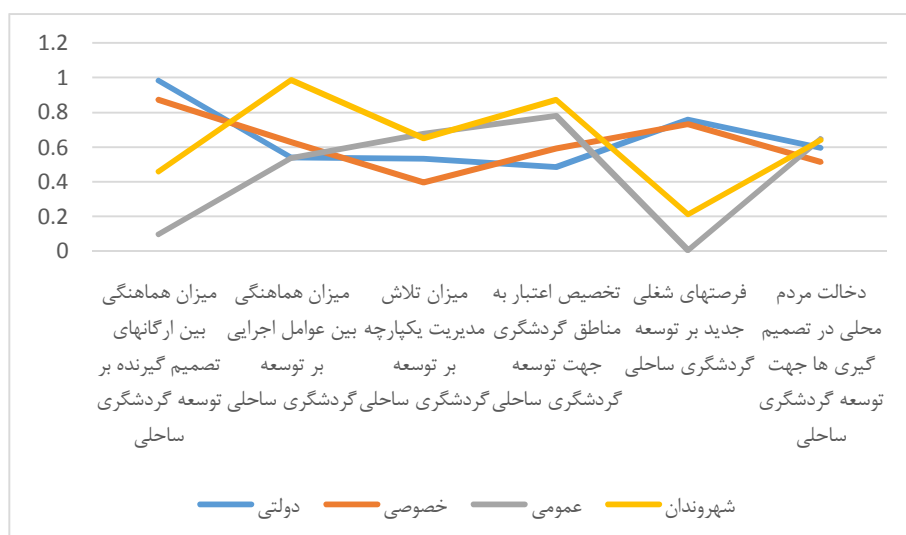
در جدول شماره ۱ و شکل شماره ۱ وضعیت شاخص‌های مدیریت یکپارچه گردشگری در سرخورد نشان داده شده است.

جدول (۱): وضعیت شاخص‌های مدیریت یکپارچه گردشگری در ساحل سرخورد

شاخص	گروه‌های ذی‌نفع		
	دولتی	خصوصی	عمومی
	ضریب رگرسیون استاندارد شده (Beta)		
هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم‌گیرنده	۰/۹۸۳	۰/۸۷۳	۰/۰۹۸
هماهنگی بین عوامل اجرایی	۰/۵۴۲	۰/۶۳۰	۰/۵۳۷
تلاش مدیریت یکپارچه جهت توسعه گردشگری ساحلی	۰/۵۳۳	۰/۳۹۷	۰/۶۷۸
تخصیص اعتبار به مناطق گردشگری	۰/۴۸۶	۰/۵۹۱	۰/۷۸۲
فرصت‌های شغلی جدید	۰/۷۵۷	۰/۷۳۴	۰/۰۰۶
دخالت مردم محلی در تصمیم‌گیری‌ها	۰/۵۹۵	۰/۵۱۳	۰/۶۴۹

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

شکل (۱): وضعیت شاخص‌های مدیریت یکپارچه گردشگری در ساحل سرخورد



منبع: محاسبات تحقیق حاضر

آزمون تی در سطح معنی داری ۰/۰۵٪ برای همه شاخص‌ها معنی دار است (جدول شماره ۲) که این امر نشان‌دهنده معنی‌داری تفاوت میانگین‌های اهمیت و عملکرد آنها است؛ به دلیل منفی شدن نتیجه تفاوت‌های میانگین عملکرد از اهمیت، مقدار آماره تی و لویو برای همه شاخص‌ها منفی به دست آمده است.

نتایج جدول شماره ۲، مقدار تفاوت با فاصله‌های میان عملکرد و اهمیت هر یک از شاخص‌های پژوهش را نشان داده است؛ در ستون آخر می‌توان مشاهده کرد که از میان شش شاخص، هر یک به لحاظ این تفاوت دارای چه جایگاهی هستند. ملاحظه می‌شود که حاصل اختلاف عملکرد از اهمیت، در تمامی ابعاد، مقادیری منفی است به این معنا که تمامی ابعاد، نسبت به اهمیتشان عملکرد ضعیف‌تری دارند. در میان شش شاخص بررسی شده، اولین بعد یعنی "هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم‌

گیرنده"، با مقدار (۲/۹۱) دارای بیشترین میزان تفاوت میان اهمیت و عملکرد است. فاصله تفاوت اهمیت و عملکرد این شاخص نسبت به تفاوت اهمیت و عملکرد شاخص‌های "هماهنگی میان عوامل اجرایی" با اختلاف (۲/۸۱) و "فرصت‌های شغلی جدید" با اختلاف (۲/۷۸) که به ترتیب در رتبه‌های رتبه دوم و سوم جای دارند، قابل توجه است. شاخص‌های "تلاش مدیریت یکپارچه جهت توسعه گردشگری ساحلی"، "دخالتمردم محلی در تصمیم‌گیری‌ها" و "تخصیص اعتبار به مناطق گردشگری" به ترتیب با اختلاف (۲/۷۶)، (۲/۵۹) و (۲/۳۹) در رتبه‌های چهارم تا ششم قرار گرفته‌اند.

جدول (۲): تفاوت مقادیر میانگین اهمیت و عملکرد شاخص‌های پژوهش

ردیف	شاخص‌ها	تفاوت میانگین‌های عملکرد و اهمیت	رتبه از لحاظ تفاوت-های عملکرد و اهمیت
۱	هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم‌گیرنده	۲/۹۱ -	۱
۲	هماهنگی بین عوامل اجرایی	۲/۸۱ -	۲
۳	تلاش مدیریت یکپارچه جهت توسعه گردشگری ساحلی	۲/۷۶ -	۴
۴	تخصیص اعتبار به مناطق گردشگری	۲/۳۹ -	۶
۵	فرصت‌های شغلی جدید	۲/۷۸ -	۳
۶	دخالتمردم محلی در تصمیم‌گیری‌ها	۲/۵۹ -	۵

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

در این بخش، به بررسی رابطه میان ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و پرسش‌های پرسش‌نامه پرداخته شده است، در حقیقت با انجام این عمل، روشن می‌شود که آیا نتایجی که از تجزیه و تحلیل عملکرد به دست آمده، تحت تأثیر ویژگی‌های مختلف جمعیت‌شناختی بوده است یا خیر. برای این منظور از آزمون خی‌دو استقلال پیروسون استفاده شده است.

جدول (۳): نتیجه آزمون خی‌دو استقلال

وضعیت فرض‌ها		آزمون خی‌دو (X^2) استقلال			متغیر جمعیت‌شناختی
H ₁	H ₀	سطح معنی‌داری (sig)	درجه آزادی	مقدار X^2	
رد	تأیید	۰/۸۸۷	۲	۰/۰۲۰۱	جنسیت
رد	تأیید	۰/۱۵۴	۱	۱۵/۲۳۲	گروه سنی
تأیید	رد	۰/۰۰۰	۲	۷۶۸/۲۸۴	سطح تحصیلات
تأیید	رد	۰/۰۰۰	۲	۱۸۰/۶۸۸	سازمان محل خدمت
رد	تأیید	۰/۰۷۶	۲	۴۳۴/۲۱	سابقه خدمت

* سطح اطمینان ۹۵٪ (سطح معنی‌داری ۰/۰۵)

منبع: محاسبات تحقیق حاضر

همان گونه که از مقادیر سطح معنی‌داری آزمون‌های دو استنباط می‌شود (جدول شماره ۳)، بین متغیرهای جمعیت شناختی جنسیت، گروه سنی و سابقه خدمت پاسخ‌دهندگان و پاسخ آنها، رابطه معنی‌داری وجود ندارد؛ بنابراین، متغیرهای یادشده بر پاسخ آنها تأثیرگذار نبوده است. با این حال، بین متغیرهای سطح تحصیلات و نوع سازمانی که پاسخ‌دهندگان در آنجا مشغول به فعالیت هستند و پاسخ‌های آنان، رابطه معنی‌دار دیده می‌شود. پس، می‌توان گفت که سطح تحصیلات و سازمان محل خدمت بر پاسخ آنها تأثیرگذار بوده است.

پژوهش حاضر با هدف شناسایی چابستی (شاخص‌های مدیریت یکپارچه گردشگری ساحلی) و همچنین بررسی اهمیت و عملکرد هریک از شاخص‌ها از نظر ذی‌نفعان مختلف عمومی، دولتی، مردمی و خصوصی مرتبط با گردشگری ساحلی شهر سرخورد انجام شد. هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم‌گیرنده، هماهنگی بین عوامل اجرایی، تلاش مدیریت یکپارچه جهت توسعه گردشگری ساحلی، تخصیص اعتبار به مناطق گردشگری، فرصت‌های شغلی جدید و دخالت مردم محلی در تصمیم‌گیری‌ها شاخص‌های شش‌گانه بررسی شده برای مدیریت یکپارچه گردشگری ساحلی در شهر سرخورد در نوشتار پیش رو هستند. نتایج توزیع و تکمیل پرسشنامه در میان گروه‌های ذینفع و انجام روش تجزیه و تحلیل اهمیت - عملکرد مطابق مراحل پیشنهادی لابی و هیت کوک (۲۰۱۵) نشان داد که مقدار میانگین‌های اهمیت و عملکرد همه شاخص‌های مدیریت یکپارچه گردشگری، مقادیری منفی است؛ به این معنا که عملکرد حال حاضر این شاخص‌ها در ارتباط با گردشگری ساحلی شهر سرخورد، مطلوب نیست و با مقدار اهمیت آنها شکاف چشم‌گیری دارند.

بیشترین مقدار تفاوت و شکاف یاد شده در شاخص "هماهنگی بین ارگان‌های تصمیم‌گیرنده" (مقدار ۲/۹۱-) دیده می‌شود. این مقدار، نشان‌دهنده این است که این شاخص با وجود اهمیت زیاد، عملکرد مطلوبی ندارد و ناگزیر باید مورد توجه قرار گیرد. شاخص دوم "هماهنگی بین عوامل اجرایی" است که نسبت به اهمیت آن، عملکرد پایین‌تری دارد (اختلاف عددی ۲/۸۱). "فرصت‌های شغلی جدید"، از شاخص‌های مهم دیگری است که با وجود میانگین اهمیت بالای حد متوسط، عملکرد کنونی آن در میان سازمان‌های دخیل در توسعه و مدیریت ساحل شهر سرخورد ضعیف ارزیابی شده و از لحاظ شکاف میان این دو نیز (با مقدار ۲/۷۸) در رتبه سوم جای گرفته است. و همان طور که مشاهده شده است شاخص‌های "تلاش مدیریت یکپارچه جهت توسعه گردشگری ساحلی"، "دخالت مردم محلی در تصمیم‌گیری‌ها" و "تخصیص اعتبار به مناطق گردشگری" در رتبه‌های چهارم تا ششم قرار گرفته‌اند، که از آنجایی که دارای اختلاف میانگین اهمیت و عملکرد بالایی هستند، لازم است در مرکز توجه قرار گیرند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادات

برای دستیابی به موفقیت در مدیریت و توسعه گردشگری و درگیر نمودن بخش خصوصی، برنامه‌ریزی در تمام سطوح الزامی است توسعه گردشگری بدون برنامه‌ریزی، موفقیتی را در بر نخواهد داشت و این باعث مسائل و مشکلات اجتماعی، اقتصادی و محیطی برای جامعه میزبان می‌شود. پیشنهاد می‌گردد برای توسعه مدیریت گردشگری پایدار و برنامه‌ریزی در این زمینه، سازمان‌ها و جوامع محلی که از منافع گردشگری بهره‌مند می‌شوند باید مشارکت داشته و بخشی از درآمدهای حاصل از گردشگری خود را برای رفاه و ارائه خدمات به گردشگران اختصاص دهند تا نقش مؤثری را در توسعه پایدار ایفا نمایند. این امر نیازمند مشارکت تمامی سازمان‌ها، ادارات و نهادهای دولتی و یا غیردولتی و مدیران و برنامه‌ریزان گردشگری در این زمینه

است. بنابراین، برای جلوگیری از خلاءها و انجام فعالیت‌های موازی، ارائه خدمات به گردشگران توسعه پایدار گردشگری و ... نیازمند یکپارچگی مدیریت گردشگری و برنامه‌ریزی مداوم در قالب سازمان یافته، مشارکتی و مردمی است.

در پژوهش حاضر به بررسی اهمیت و عملکرد شاخص‌های مدیریت یکپارچه گردشگری در ساحل شهر سرخورد پرداخته شده است که بر اساس مطالعات نظری و با مطالعه بر پتانسیل‌های موجود در شهر سرخورد، لازم است که نقشه و طرح جامع گردشگری برای شهر تدوین شود و با تخصیص بودجه زیرساخت‌های لازم برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را مهیا سازند. بنابراین، هر چقدر ظرفیت مدیریت یکپارچه بیشتر شود هماهنگی میان مدیران بیشتر گردد تا گردشگری رونق بیشتری یابد. از طرفی توسعه منابع انسانی و ایجاد مراکز آموزشی تخصصی نیز در زمینه مدیریت یکپارچه باید ارتقاء یابد. ظرفیت و برنامه‌ریزی بلندمدت و کوتاه‌مدت و به میزان بیشتر به همراه مدیریت استراتژیک می‌تواند زمینه‌های لازم جهت توسعه و گسترش صنعت گردشگری را در پیش داشته باشد، که این نتایج همچنین با نتایج صابری و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهش "ارزیابی ظرفیت مدیریت یکپارچه توسعه گردشگری شهرستان کاشان" همسو است، در مجموع وضعیت شهر سرخورد به لحاظ مدیریت یکپارچه گردشگری و نتایج حاصل از پژوهش در پی مدیریت یکپارچه گردشگری، می‌تواند در جایگاه مناسب و مطلوبی قرار گیرد. همچنین پژوهش حاضر با پژوهش لیتوین و همکاران (۲۰۱۸) با عنوان "نمای گذشته‌نگر از واژه‌های الکترونیکی مدیریت گردشگری" همسو است بدین صورت که در پی آن مشخص شده است که توسعه گردشگری در آینده تأثیر بسزایی بر بازاریابی گردشگری خواهد داشت. از طرفی، لنگ و دادز (۲۰۱۷) نیز در پژوهش خود به این مسئله دست یافتند که پروژه‌های گردشگری و کارآفرینی اجتماعی گردشگری در راستای مدیریت شهری یکپارچه محقق می‌شود که نتایج آن با نتایج پژوهش حاضر همسو می‌باشد.

در نهایت، برای دست یافتن به مدیریت یکپارچه گردشگری در ساحل شهر سرخورد پیشنهادهایی مطرح می‌شود که در ادامه ارائه شده است:

۱. تقویت، ایجاد و توسعه زیرساخت‌های مناسب حمل‌ونقل در زمینه گردشگری در شهر سرخورد از جمله ایجاد مسیرهای حمل‌ونقل عمومی برای رفت‌وآمد توریست‌ها و گردشگران در سطح شهر و در جهت دسترسی به دریا و جنگل و ...
۲. تقویت و ایجاد فضاهای اقامتی و گردشگری برای اسکان گردشگران، از جمله ایجاد سوئیت‌ها، هتل‌ها و مکان‌های اقامت در کنار دریا یا در نزدیکی جنگل برای اسکان توریست‌های دریا و جنگل و سایر فضاهای دیدنی و سیاحتی
۳. ایجاد یک صندوق مخصوص سرمایه‌گذاری در بخش توریست در شهرداری سرخورد
۴. ایجاد آلاچیق‌ها و سکوهایی در ساحل سرخورد برای استراحت گردشگران
۵. ایجاد نمایشگاه‌های محلی در زمینه صنعت گردشگری برای جذب سرمایه‌گذار و جلب مشارکت شهروندی

منابع:

- ۱) آذرگون، نادر؛ منصوری، سید امیر و براتی، ناصر (۱۳۹۷). ارائه شاخص‌های سنجش و ارزیابی توسعه پایدار شهری در طرح‌های توسعه راهبردی شهری (CDS) با استفاده از مدل کارت امتیاز متعادل، معماری و شهرسازی آرمان شهر، شماره ۲۳، صص: ۲۶۵-۲۸۱.
- ۲) ادبی ممقانی، محمد. خانی، فضیله. سجاسی قیداری، حمدالله. فرخی سیس، سعیده (۱۳۹۳)، ارزیابی اثرات توسعه گردشگری فرهنگ‌محور در تغییرات اجتماعی - فرهنگی مقاصد روستایی (مطالعه موردی: بخش کن دهستان سولقان)، مجله علمی - پژوهشی برنامه‌ریزی فضایی، دوره ۴، شماره ۲، صص ۷۸-۵۵.
- ۳) برقی، حمید؛ دهقان حسام‌پور، محمد؛ طوسی، رمضان؛ جمینی، داود (۱۳۹۱). برنامه‌ریزی توسعه پایدار گردشگری در منطقه خلیج فارس (مطالعه موردی: جزیره قشم). صص ۷۵-۹۳.
- ۴) رضائی، پرویز؛ رحمانی، ولی‌ا... (۱۳۸۶). ارائه راهکارهای مناسب برای برنامه‌ریزی صنعت توریسمدر روستاهای ساحلی شهرستان نور، فصلنامه چشم‌انداز جغرافیایی، سال دوم، شماره پنجم، صص ۹۷-۷۹.
- ۵) زنگی‌آبادی، علی؛ محمدی، جمال؛ زیرک‌باش، دیبا (۱۳۸۵). تحلیل گردشگری داخلی شهر اصفهان، مجله جغرافیا و توسعه، سال چهارم، شماره پیاپی ۸.
- ۶) سازمان جهانی گردشگری، (۱۳۹۰)، مدیریت مقصد، ترجمه سید علی دلبری و محمدهادی رجبی، تهران: انتشارات مهکامه.
- ۷) صابری، امیر. توکلی‌نیا، جمیله. رضویان، محمدتقی (۱۳۹۸)، ارزیابی ظرفیت مدیریت یکپارچه توسعه گردشگری شهرستان کاشان، فصلنامه مطالعات مدیریت گردشگری، دوره ۱۴، شماره ۴۵، صص ۱۰۳-۸۱.
- ۸) صیادبیدهندی، لیلا؛ قلی‌پور، یاسر و فیضی، سلمان (۱۳۹۶)، تحلیل عوامل موثر بر پایداری شهری (مطالعه موردی: شهر اردبیل)، فصلنامه علمی پژوهشی مطالعات برنامه‌ریزی - سکونتگاه‌های انسانی، دوره ۱۲، شماره ۳۹، صص: ۴۶۲-۴۴۹.
- ۹) عزیزپور، فرهاد. فتحی‌زاده، فرح (۱۳۹۶)، موانع و چالش‌های تحقق مدیریت یکپارچه گردشگری در کلانشهر مشهد، گردشگری شهری، دوره ۴، شماره ۲، صص ۶۰-۴۷.
- ۱۰) فیروزپور، آرمین؛ پورعزیت، علی اصغر؛ طاهری عطاره، غزاله و کاظمیان، غلام‌رضا (۱۳۹۷)، تصویربرداری سناریو مبنا باهدف بهبود عملکرد نظام مدیریت بحران در شهر تهران در افق ۱۴۱۰، آینده‌پژوهی دفاعی، سال ۳، شماره ۸، صص: ۱۰۵-۷۳.
- ۱۱) قادری، اسماعیل؛ باقری، فاطمه؛ فرزین، محمدرضا؛ کاظمیان، غلامرضا (۱۳۹۷). مدیریت گردشگری ساحلی؛ تحلیل رویکرد یکپارچه، فصلنامه علمی - پژوهشی گردشگری و توسعه، سال هفتم، شماره چهارم، صص ۲۰۴-۱۷۵.
- ۱۲) قریشی میناآباد، محمدباسط. معتمدی‌مهر، اکبر. فرامرزی گروس، نینا (۱۳۹۰)، ارزیابی عملکرد مجتمع‌های گردشگری ساحلی (مورد مطالعه: مجتمع مروارید خزر)، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، دوره ۱، شماره ۴، صص ۴۱-۲۹.
- ۱۳) مسلمی، آرمان (۱۳۹۴)، امکان‌سنجی تحقق مدیریت یکپارچه شهری (مطالعه موردی: شهر ارومیه)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم زمین، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ۱۴) موسوی، میرنجم. حکمت‌نیا، حسن. عبدالله‌زاده، مهدی (۱۳۹۴)، گردشگری ساحلی (ماهیت و مفاهیم)، تهران: انتشارات آراد.
- ۱۵) مهندسین مشاور طرح محیط پایدار (۱۳۹۴)، طرح توسعه و عمران (جامع) و تفصیلی شهر سرخورد: کارفرما اداره کل مسکن و شهر سازی استان مازندران.

۱۶) نصر، طاهره (۱۳۹۵)، جایگاه «نشانه‌شناسی شهر ایرانی» در گردشگری در راستای آینده‌پژوهی برنامه‌ریزی شهری و توسعه پایدار، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۶، شماره ۲۴، صص: ۱۸۹-۲۰۰.

- 17) Carlisle, Sheena; Johansen, Aleksander; Kunc, Martin (2016). Strategic foresight for (coastal) urban tourism market complexity: The case of Bournemouth, *Tourism Management*, Volume 54, June 2016, Pages 81-95.
- 18) Cirella, G. T., & Tao, L., (2010), The index of sustainable functionality: an application for measuring sustainability, *International Journal of Human and Social Sciences*, Vol. 5, No. 5, pp 279-285.
- 19) Davenport, J & Davenport, J.L. (2006). The impact of tourism and personal leisure transport on coastal environment: A review. *Estuarine, coastal and shelf science*, 67, pp. 280-292.
- 20) Diakomihalis, M.N. (2007). Greek Maritime Tourism: Evolution, Structure and Prospects. In A. A. Pallis (ed.), *Maritime Transport: The Greek Paradigm. Research in Transportation Economics*, 21, pp. 419-455.
- 21) Francis, S. R., & Hamm, J. (2011). Looking forward: using scenario modeling to support regional land use planning in Northern Yukon, Canada. *Ecology and Society*, 16.
- 22) Hall, C. M., (2001). Trends in ocean and coastal tourism: the end of the last frontier? *Ocean Coast Manage*, Trends Ocean Ind. 44, 601-618.
- 23) Jennings, S. (2004). Coastal tourism and shore line management, *Annals of Tourism Management*, 31, 4, pp. 899-922.
- 24) Kandel, W. A. and Brown- D.L (2006), *Population Change and Rural Society*, Nederland.
- 25) Lang, M. & Dodds, R. (2017), Increase sustainable tourism through social entrepreneurship, *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, 10.1108/IJCHM-02-2016-0096
- 26) Litvin, Stephen W., Goldsmith, Ronald E., Pan, Bing (2018), A retrospective view of electronic word-of-mouth in hospitality and tourism management, *International Journal of Contemporary Hospitality Management*, ISSN: 0959-6119.
- 27) Papageorgiou, M. (2016). Coastal and marine tourism: A challenging factor in Marine Spatial Planning, *Ocean & Coastal Management*, 129, 44-48.
- 28) Silva, F. B., Herrera, M. A. M., Rosina, K., Barranco, R.R., Freire, S., Schiavina, M (2018), Analyzing spatiotemporal patterns of tourism in Europe at high-resolution with conventional and big data sources, *Tourism Management*, 68, pp: 101-115.
- 29) Siwar, C., Mahmudul Alam, M., Wahid Murad, M., Al-Amin, A. G., (2009), A Review of the Linkages between Climate Change, Agricultural Sustainability and Poverty in Malaysia, *International Review of Business Research Papers*, Vol. 5 No. 6, pp 309- 321.
- 30) Siwar, C., Mahmudul Alam, M., Wahid Murad, M., Al-Amin, A. G., (2009), A Review of the Linkages between Climate Change, Agricultural Sustainability and Poverty in Malaysia, *International Review of Business Research Papers*, Vol. 5 No. 6, pp 309- 321.
- 31) UNEP (United Nations Environment Programme) (2009). *Sustainable Coastal Tourism*, Regional Activity Centre (PAP/RAC).
- 32) UNEP (United Nations Environment Programme) (2016). *Sustainable Coastal Tourism*, Regional Activity Centre (PAP/RAC).

- 33) Yoon, Y (2002), Development of a Structural Model for Tourism Destination Competitiveness from Stakeholders, Perspectives, Theses of Doctor from Philosophy, Virgin Polytechnic Institute State University.